

آیا همه ی معانی

Bug

رو بلدی ؟

When you see the word "bug"

وقتی کلمه ی bug رو میبینید

what comes to your mind?

چی میاد تو ذهنتون؟

well... yes,

خب... آره

bug means a small insect,

bug، یعنی یه حشره ی کوچک

it's a general word for very small insects.

این یه کلمه ی کلی برای حشرات خیلی کوچیکه.

Don't move!

تكون نخور!

There's a bug on your shoulder.

یه حشره رو شونتّه.

Let me get it for you.

بذار برات بگیرمش.

I almost had a heart attack

نزدیک بود سخته کنم

But that is not its only meaning.

ولی این تنها معنیش نیست.

A bug can be an illness

bug میتونه یه مریضی‌ای باشه

that is not usually serious

که معمولا جدی نیست

and is caused by bacteria or a virus.

و ناشی از باکتری یا ویروسه.

For example:

مثلا:

stomach bug.

التهاب معده.

It's an illness affecting your stomach.

بیماری‌ایه که روی معده اثر میذاره.

Hey, let me teach you a useful idiom:

هی، بذار یه اصطلاح کاربردی بهت یاد بدم:

to pick up, catch or get a bug

بیماری ویروسی گرفتن

It means becoming sick because of a virus.

یعنی مریض شدن بخاطر یه ویروس.

So if you pick up a bug,

پس اگه از این اصطلاح براتون استفاده شه،

you get an illness from somewhere or something.

شما یه مریضی‌ای از یه جایی یا چیزی میگیرین.

My head is pounding.

سرم درد میکنه.

I think I picked up a bug or something.

فکر کنم ویروسی چیزی گرفتم.

Oh no

وای نه

A bug can refer to a mistake or problem

bug میتونه به یه اشتباه یا مشکل

in a computer program.

تو برنامه‌ی کامپیوتری اشاره داشته باشه.

We hear this a lot.

اینو زیاد میشنویم.

What?

چی؟

I can't import videos now?

نمیتونم ویدئوها رو وارد کنم؟

this software is full of bugs.

اه این نرم افزار پر از باگه.

You've probably seen this in the movies

احتمالا دیدین که تو فیلمها

that some guy puts a very small listening device

یه یارویی یه دستگاه شنود

a microphone

(میکروفون)

in a phone

میذاره تو تلفن

or hides it in a room

یا تو یه اتاقی مخفی میکنه

that allows them to listen

که بهش این قابلیتو میده

to what people are saying

تا به حرفای مردم گوش کنه

without them knowing.

بدون اینکه اونا بدونن.

That device is a bug.

اون دستگاه bug هست.

You can also use bug as a verb

همچنین میتونی از bug به عنوان فعل

to refer to this action.

برای اشاره به این عمل استفاده کنی.

So, to bug means to place or hide a device

پس to bug یعنی قرار دادن یا مخفی کردن یه دستگاه

inside something.

داخل چیزی.

She suspected that her phone had been bugged.

او شک کرد که داخل تلفنش میکروفون مخفی شده باشه.

Bug as a verb has another interesting meaning.



Bug به عنوان فعل به معنی جالب دیگه داره.

It means to annoy or bother.

یعنی اذیت کردن یا مزاحمت ایجاد کردن.

If someone or something bugs you,

کنه bug، اگه کسی یا چیزی شما رو

it annoys you.

اذیتت میکنه.

Bugs bug me!

حشرات اذیتم میکنن!

What bugs you the most?

چی تورو بیشتر از همه اذیت میکنه؟

Tell me in comments.

تو کامنت ها بهم بگو.

I'll see you in the next video,

تو ویدئوی بعدی میبینمتون.

Bye!

بای!